

معماری جدید امنیتی اروپا: واکنش‌ها به طرح مدودیف

دمیتری مدودیف، رئیس جمهور روسیه، در ژوئن سال 2008 نیاز اروپا به ساختار امنیتی جدید را مطرح کرد. این حرکت نشانه‌ای از دغدغه‌های روز افزون مسکو مبنی بر نادیده شمردن شدن از یک سو و افزایش اعتماد به نفس این کشور از سوی دیگر بود. اما واکنش اروپا به این طرح چندان مثبت نبود. در این گزارش به بررسی دیدگاه‌های روسیه در مورد محدودیت‌های ساختار امنیتی اروپا - آتلانتیک، واکنش‌های اروپا به طرح مدودیف و چشم‌انداز آتی این طرح می‌پردازیم.

الف - مقدمه

نظر مسکو، پیشنهاد مدودیف فرصتی برای بازنگری عمده معماری امنیتی اروپا - آتلانتیک را باز می‌نماید تا از این رهگذر آمریکا و اروپا از رابطه مثبت‌تری با مسکو بهره برده و در چارچوب جدید، بهتر بتوانند منافع مشترک را دنبال نمایند.

در این گزارش به بررسی دیدگاه‌های روسیه در مورد محدودیت‌های ساختار امنیتی اروپا - آتلانتیک، واکنش‌های دنیای غرب به طرح مدودیف و چشم‌انداز آتی این طرح می‌پردازیم.

ب- طرح مدودیف برای ساختار امنیتی جدید اروپا

مدودیف ایده معماری جدید امنیتی اروپا را در 5 ژوئن 2008 در برلین مطرح کرد. وی از ضرورت ارتقای وحدت در تمام حوزه اروپا - آتلانتیک از ونکوور تا ولادیوستوک برای رسیدن به راه‌حل‌های جمعی چالش‌های امنیتی اروپا و ایجاد امنیت برای همه سخن گفت. مدودیف تمایل روسیه برای پرهیز از بلوک‌های

از زمان پایان جنگ سرد و لغو پیمان ورشو، دو سؤال کلیدی برای روسیه بدون پاسخ مانده‌اند: یکی این که جایگاه روسیه در اروپا چیست؟ و دوم این که نیازهای امنیتی کشورهای اروپای شرقی و دولت‌های جانشین هم‌پیمان اتحاد شوروی در این منطقه چگونه تأمین می‌شوند؟

دمیتری مدودیف، رییس جمهور روسیه، در ژوئن 2008 نیاز اروپا به ساختار امنیتی جدید را مطرح کرد تا علاوه بر ارائه پاسخی روسی به این سؤال‌ها، معماری جدیدی از امنیت اروپا را ترسیم نماید. در چارچوب این طرح، روسیه مایل است مسایلی که از دوران پایان جنگ سرد به منزله تهدید منافع امنیتی‌اش تلقی می‌نماید را تصحیح کند. از دید روس‌ها، در این طرح گسترش ائتلاف‌های نظامی به گونه‌ای که امنیت دیگر طرف‌های معاهده جدید را تهدید کند، قابل قبول نخواهد بود. لذا از



قدیمی سیاسی را ابراز داشته و خواهان نسخه جدیدی از سند نهایی هلسینکی 1975 در زمینه امنیت اروپا شد که در این نسخه جدید اصول تقسیم‌ناپذیری امنیت با تعهد حقوقی همراه گردیده است. او گفت که اروپا به مشارکت با روسیه برای کاهش هزینه‌های نظامی، تضمین تأمین انرژی و توسعه فضای فناوری مشترک علاقمند است.

از آن زمان به بعد، رئیس‌جمهور روسیه در مناسبت‌های متعدد تمایل قوی کشورش برای مشارکت راهبردی بین اروپا و روسیه را مورد تأکید قرار داد. در کنفرانس سیاست جهانی اویان در اکتبر 2008، او جزئیات بیشتری از طرح ساختار جدید امنیت اروپا را مطرح کرد. اصول اساسی امنیت و رابطه بین حکومتی در منطقه اروپا - آتلانتیک، غیر قابل پذیرش بودن استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور در روابط بین‌المللی، تضمین امنیت برابر برای همه دولت‌ها در منطقه اروپا - آتلانتیک، عدم تضمین امنیت یک عضو به هزینه دیگران، غیر مجاز بودن اقدامات تضعیف‌کننده وحدت فضای امنیت مشترک، عدم توسعه ائتلاف‌های نظامی تهدیدکننده امنیت دیگر طرف‌های معاهده، نبود حق انحصاری حفظ صلح در اروپا برای هیچ‌یک از دولت‌ها یا سازمان‌ها، ایجاد متغیرهای کنترل تسلیحات و محدودیت‌های منطقی در ساختارهای نظامی برای معاهده آتی معرفی شدند.

اگر چه مدویدف در سخنرانی خود در برلین موضع تهاجمی علیه ناتو گرفت، اما در اویان او مشخص کرد که ساختار امنیتی جدید اروپا نباید ضرورتاً جایگزینی برای نهادهای موجود از جمله ناتو باشد. در آوریل 2009 در هلسینکی، مدویدف تمایلش برای دستیابی به چنین موافقت‌نامه‌ای را با حفظ روحیه سند هلسینکی 1975 و بر اساس اصول باز بودن، همکاری، برابری و احترام متقابل مورد تأکید قرار داد و گفت که این موافقت‌نامه

ارزش‌های اروپایی را تقویت می‌کند و بر اساس ابزارهای موجود، اما سازگار با چالش‌های امنیتی جدید خواهد بود.

ج- محدودیت‌های معماری امنیت اروپا - آتلانتیک

معماری امنیتی اروپا - آتلانتیک در حال حاضر تا حد زیادی بر سه ستون استوار است: سازمان امنیت و همکاری اروپا، ناتو و اتحادیه اروپا. این نهادها تحولات مهمی را طی دهه‌های گذشته پشت سر گذاشته‌اند تا جو امنیتی جدیدی را شکل دهند. به این ساختارها می‌توان سازمان جدیدتر معاهده امنیت جمعی را نیز افزود که البته از اهمیت کم‌تری برخوردار است.

روسیه، نظام امنیتی اروپا را غرب‌محور و ناتوان از پیشگیری و پاسخگویی به بحران‌ها تلقی می‌کند. ترتیبات فعلی تا حد زیادی متکی بر ناتو است و از این رو دیگران را در بر نمی‌گیرد و به منافع بنیادین امنیتی آن‌ها آسیب می‌رساند. از دید روسیه، اروپای گسترده‌تر می‌تواند مشتمل بر دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع، سازمان معاهده امنیت جمعی و احتمالاً سازمان همکاری شانگهای باشد. در همین راستا روسیه از همه دولت‌های عضو سازمان‌های امنیتی موجود می‌خواهد که به معاهده‌ای برای تشکیل ساختار جدید امنیت اروپا بپیوندند.

با در نظر داشتن سرشت جهانی چالش‌های امروزین امنیتی، روسیه خواهان توقف رهیافت‌های بلوکی به امنیت و ارتقای یک نظام امنیتی پان‌اروپایی است که قادر به هماهنگی مؤثر تلاش‌های بین‌المللی فعال در عرصه امنیت منطقه اروپا - آتلانتیک و تضمین امنیت پایدار برای همه دولت‌های عضو از ونکوور تا ولادیوستوک باشد.

مروری بر ساختارهای فعلی امنیتی اروپا و انتقادهای مطرح در مورد آن‌ها، میزان واقع‌گرایی طرح مدویدف را تا حدی روشن می‌سازد:



1) سازمان امنیت و همکاری اروپا

امور داخلی یک کشور غیرقابل قبول تلقی می‌شود. متعاقب جنگ در گرجستان، واکنش روسیه که منجر به خروج نیروهای مأموریت این سازمان از مناطق جدا شده گردید، مشکلات این همکاری‌ها را افزایش داد.

به علاوه سازمان امنیت و همکاری اروپا ناتوان از اعمال تحریم علیه موارد نقض اصول هلسینکی است؛ نیروهای مسلح داریم برای اجبار دولت‌ها به انجام تعهداتشان ندارد؛ با محدودیت‌های مالی مواجهه است؛ فعالیت‌هایش از تنازع منافع بین دولت‌های عضو صدمه می‌بیند و در نهایت موضوع حق وتوی دولت‌های عضو مانعی برای تصمیم‌گیری سریع است. رژیم کنترل تسلیحات سازمان نیز به علت استقرار مشاخره‌انگیز نیروهای روسیه در مناطق مرزی گرجستان، اختلاف در مورد سامانه دفاع موشکی و تعلیق معاهده نیروهای متعارف در اروپا دچار بحران است.

2) سازمان ناتو

ناتو در سال 1949 به عنوان یک ائتلاف نظامی بین حکومتی علیه اتحاد شوروی ایجاد شد. در حال حاضر این ائتلاف 28 دولت عضو و 22 دولت شریک در حوزه اروپا - آتلانتیک دارد. این سازمان، آمریکا و اروپا را کنار هم قرار داده و ساختار نظامی قدرتمندی را ایجاد کرده است. افزایش حوزه عملیات ناتو در دهه 1990 و تغییر چشم‌انداز ژئوپلتیک آن بعد از فروپاشی شوروی منجر به تحولات مهمی در درون ناتو شد. تحول جدید در این سازمان حول بازبینی مفهوم راهبردی جدید ناتو است که می‌تواند منجر به نهادینه شدن راهبرد بین‌المللی و فراتر از حوزه جغرافیایی سازمان شود.

با این وجود، ناتو در ایفای نقش نظامی خود با محدودیت‌هایی مواجه است و توسط برخی دولت‌ها به عنوان ابزار آمریکا نگرینسته می‌شود. تمایز بین خواسته‌های سیاسی ائتلاف و توانمندی‌های نظامی‌اش و

این سازمان ریشه در سند نهایی هلسینکی سال 1975 دارد و به عنوان چارچوب مفهومی اعتمادسازی و مسایل امنیتی فرابلوکی توسعه یافته است. این نهاد با هدف بنا نهادن اصولی به منظور تسهیل تنش بین غرب و شرق شروع به کار کرد و پس از جنگ سرد به عنوان یک سازمان امنیتی گسترده مشتمل بر 56 دولت عضو و با مسؤولیت هشدار اولیه، پیشگیری از منازعه و مدیریت بحران تحول یافت. این سازمان به صورت بالقوه چارچوبی مشروع برای تضمین امنیت پان‌اروپایی ارائه می‌دهد و مشتمل بر آمریکا، اروپا و روسیه است. سازمان امنیت و همکاری اروپا به مجموعه گسترده‌ای از حوزه‌های منازعه دسترسی دارد و برای مقابله با بخش زیادی از مشکلات این مناطق از جمله از طریق استقرار نیروها برای عملیات حفظ صلح برنامه دارد.

سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه معتقد است که اگر این سازمان به صورت کامل نهادینه شده بود، می‌توانست بر اساس تعهدات حقوقی، نظامی باز امنیت جمعی را در منطقه تضمین نماید. در سال 2007، لاوروف پیش‌نویس منشوری را با حمایت دولت‌های عضو سازمان معاهده امنیت جمعی، به اجلاس وزیران سازمان امنیت و همکاری اروپا در مادرید ارائه داد تا به این هدف نزدیک شود. پس از آن، طرح دیگری از جانب روسیه و دیگر دولت‌های عضو سازمان معاهده امنیت جمعی در راستای این هدف عرضه شد.

اما کارآمدی سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه‌های پیشگیری و حل منازعه محدود شده است. در حال حاضر عملکرد این سازمان به عملیات غیرنظامی، همچون مسایل اقلیت‌های قومی و مأموریت‌های نظارت بر انتخابات محدود شده است که چنین اقداماتی نیز از جانب برخی دولت‌ها از جمله روسیه به خاطر دخالت در



تنش داخلی ناشی از تغییر اولویت‌ها و سطوح نابرابر تعهدات میان متحدان، از بحران‌هایی هستند که این سازمان باید با آن‌ها کنار بیاید. به این مسایل باید اختلاف نظر در مورد روسیه و موضوع پیوستن دولت‌های جدید را نیز اضافه کرد. روسیه امید دارد با طرح ساختار امنیتی جدید، چنین اختلافی را بیشتر کند و تعهدی برای توقف گسترش بیشتر ناتو را دریافت نماید.

3) شورای روسیه - ناتو

شورای روسیه - ناتو یک نهاد نیست، بلکه چارچوبی برای مشارکت امنیتی با روسیه است. این شورا در سال 2002 تأسیس شد، اما به موافقت‌نامه همکاری سال 1997 مبتنی گردید. شورا به عنوان محفلی برای تبادل نظر منظم بین روسیه و ناتو عمل می‌کند و فرصتی برای طرفین است تا همکاری‌های عملی و توانمندی‌های عملیاتی مشترک از جمله در حوزه مبارزه با تهدیدات تروریستی را توسعه دهند.

اما این شورا، یک راه حل موقت و محلی برای اعتمادسازی است و از این ظرفیت، همکاری‌های عملی حاصل نشده است. در عمل، روسیه در این شورا چیزی بیش از یک نقش مشورتی کسب نکرده و تصورات جنگ سرد همچنان تا حد زیادی بر این رابطه حاکم هستند. بعد از جنگ گرجستان نیز، کار این شورا برای مدتی از سوی ناتو به تعلیق درآمد.

به علاوه در این رابطه، مشکل تفاوت فرهنگ‌های راهبردی وجود دارد. روسیه، امنیت را در منافع ژئوپلیتیک می‌بیند و حضور دیگر قدرت‌های غربی در اوراسیا را تهدید امنیتی تلقی می‌کند. اما ناتو، امنیت را در مفهوم هم‌گرایی جستجو می‌کند. دیدگاه اصلی در مسکو این است که ناتو، ابزار آمریکا است و سازمانی دشمن با هدف انزوای روسیه از طریق کاستن حوزه نفوذ آن در منطقه شوروی سابق است.

مشکل دیگری که در سال‌های اخیر اضافه شده، اختلاف نظر میان اعضای ناتو در مورد روسیه است. تعداد قابل توجهی از اعضای ناتو و اتحادیه اروپا، روسیه را به عنوان رقیب یا دشمن تاریخی خود می‌بینند و خواهان به حداقل رساندن نفوذ آن در صحنه بین‌المللی هستند. این کشورها، پیوستن به ناتو را حمایت از خود در مقابل تهدیدات احتمالی تلقی می‌کنند.

با این حال، روسیه گه‌گاه علاقمندی به رابطه نزدیک‌تر با ناتو را به عنوان شریکی برابر نشان می‌دهد. از جمله همکاری عملی برای آموزش واحدهای ارتش افغانستان در حال انجام است. ناتو نیز همکاری با روسیه را به عنوان موضوعی ضروری تلقی می‌کند.

4) اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا از طریق سیاست دفاعی و امنیتی بتدریج در حال تبدیل شدن به یک بازیگر امنیتی در اروپا است. اگر چه اهمیت نظامی اتحادیه از ناتو کم‌تر است، ولی صلاحیت‌های گسترده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و فرهنگی‌اش، این سازمان را قادر به پیشبرد اقدامات متنوع‌تری، از جمله در پیشگیری از منازعه و بازسازی پس از منازعه می‌کند و از آن‌جا که راه‌حل‌های پایدار برای منازعات هیچ‌گاه نظامی نیستند، اتحادیه اروپا می‌تواند در میان مدت تا درازمدت بهترین تجهیز برای تأمین امنیت در اروپا باشد، به خصوص آن که اتحادیه در حال توسعه صلاحیت‌های نظامی ضروری برای توانمندسازی مداخله در بحران‌ها و ثبات‌سازی مجدد است.

در سال‌های اخیر، اتحادیه اروپا به صورت روزافزونی خود را به عنوان یک تأمین‌کننده امنیت تثبیت کرده است. از زمان آغاز مأموریت‌های مداخله در بحران در سال 2003، اتحادیه موفقیت‌های خوبی در مدیریت بحران و حل منازعات داشته است. با این حال، بودجه دفاعی اکثر



دولت‌های اروپایی کم است و تمایل چندانی هم به افزایش نشان نمی‌دهد.

همکاری‌های محدودی بین اتحادیه اروپا و روسیه در مأموریت‌های سیاست دفاعی و امنیتی اروپا صورت گرفته است. به عنوان نمونه، در سال 2009 بالگردهای روسی در مأموریت اتحادیه اروپا در چاد و مأموریت مبارزه با دزدی دریایی در سواحل سومالی حضور داشتند. اما دشواری‌های تأمین مشارکت روسیه در چنین مأموریت‌هایی نیاز به چارچوب بهتری برای تسهیل و تسریع همکاری‌های آتی روسیه را ایجاب می‌کند. موافقت‌نامه مشارکت و همکاری اتحادیه اروپا می‌تواند چارچوبی جامع برای همکاری گسترده با روسیه باشد. اما این روابط نیز تحت تأثیر مسایلی چون تجارت انرژی قرار گرفته و پیشرفت زیادی در مذاکرات موافقت‌نامه مشارکت و همکاری حاصل نشده است. روسیه نیز همچنان روابط دوجانبه با هر یک از دولت‌های عضو اتحادیه را بر نگرش به اتحادیه به عنوان یک مجموعه ترجیح می‌دهد.

5) سازمان معاهده امنیت جمعی

مقر سازمان معاهده امنیت جمعی در مسکو است و هفت کشور ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان در آن عضویت دارند. بنیان این سازمان بر معاهده سال 2002 تاشکند استوار است. این معاهده مشتمل بر تعهد دفاع متقابل است و یک مجمع بین‌پارلمانی نیز دارد. تاکنون مشارکت این سازمان در امنیت اروپا در حداقل و فعالیت‌های آن محدود بوده است. در جلسه کمیته سیاسی این سازمان در سال 2007 رهیافت‌های منطقه‌ای در خصوص جرایم سازمان‌یافته و قاچاق انسانی و قاچاق مواد مخدر مطرح شد. آغاز مرحله جدید فعالیت‌های این سازمان، اکتبر 2009 بود که نیروی واکنش سریع را به سبک ناتو ایجاد

کرد و یک مانور نظامی با حضور 7 هزار سرباز و 90 هواپیما و بالگرد برگزار نمود.

گفته می‌شود این سازمان تحت نفوذ روسیه است و به عنوان ابزاری در دست روسیه عمل می‌کند. از این جهت آن را "پیمان شبیه به ورشو" هم تلقی کرده‌اند. روسیه خواهان نقش برجسته این سازمان در ساختار امنیتی جدید اروپا است و یا حداقل خواهان حفظ حوزه نفوذ خود است. تاکنون ناتو و اتحادیه اروپا با همکاری این سازمان مخالفت کرده‌اند. اما با بهبود عملکرد این سازمان و ظرفیت آن در امنیت و ثبات منطقه آسیای مرکزی شاید این همکاری دستخوش تحول شود.

د- واکنش‌های اروپا به طرح مدودیف

طرح مدودیف با پاسخ سرد طرف‌های اروپایی مواجه شد. حمایت‌های صورت گرفته تا حد زیادی لفظی و در راستای منافع روابط دوجانبه با روسیه بوده است. چندین شخصیت اروپایی در دیدار با مقامات روسی حمایت لفظی خود را اظهار داشتند. از جمله سیلیویو برلوسکونی، نخست‌وزیر ایتالیا در سفر دسامبر 2009 به روسیه، با جالب توصیف کردن طرح مدودیف، اظهار داشت: ایتالیا با دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا و ناتو این طرح را مورد بحث قرار می‌دهد.

اما بسیاری از مقامات شاخص دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اروپا این طرح را چندان جدی نگرفتند و برای عملی کردن آن حمایت قاطعی نکرده و در مواردی آن را رد کردند. منتقدان بر این باورند که طرح مدودیف دستاویزی برای زیر سؤال بردن مشروعیت و کارآمدی ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا و اتحادیه اروپا است. از جمله آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل ناتو در دسامبر 2009 در سفر به مسکو اعلام کرد ناتو با وجود موافقت‌نامه‌ها و معاهدات چندجانبه موجود، هیچ نیازی به معماری امنیتی جدید مورد حمایت روسیه



نمی‌بیند. برنارد کوشنر، وزیر خارجه فرانسه نیز در ژوئن 2009 گفت: ما به ساختار جدیدی نیاز نداریم. ما ساختارهای زیادی مثل سازمان ملل، اتحادیه اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا و شورای اروپا را در دسترس داریم. ما اصول و ساختارها را داریم. اجازه دهید آنها را تقویت کنیم.

به علاوه برخی این گمان را دارند که مسکو خواهان تضعیف جنبه‌های حقوق بشری سازمان امنیت و همکاری اروپا است. چرا که روسیه برای دستیابی به موازنه بهتر منافع با سازمان امنیت و همکاری اروپا خواهان تمرکز مجدد بر امنیت نظامی - سیاسی است. برخی دیگر از این هراس دارند که هدف روسیه وتوی مؤثر گسترش ناتو از طریق درخواست یک منطقه شناخته شده نفوذ در همسایگی خود و حفظ تصور سلطه آمریکا بر ناتو است. ایده اولویت دادن به یک مجموعه از اصول حقوق بین‌الملل به هزینه کنار گذاشتن دیگر اصول، به منزله تلاش روسیه برای باز گرداندن اصول حقوق بین‌الملل به شش دهه قبل تفسیر شده است و نمی‌تواند مورد پذیرش غرب باشد. تلاش برای یافتن نقش بیشتر برای سازمان معاهده امنیت جمعی نیز نشانه‌ای برای ظهور نظام دو قطبی در امنیت اروپا تلقی شده است.

جنگ روسیه علیه گرجستان، چشم‌انداز مدودیف را ضعیف‌تر هم نمود. از دید منتقدان، روسیه با راه‌اندازی جنگ علیه گرجستان و سپس شناسایی استقلال مناطق جدا شده، خود نقض‌کننده تعهدات طرح مدودیف بوده است. دبیرکل پیشین ناتو، یاپ دی هوپ شفر معتقد بود جدی گرفتن این پیشنهاد در زمانی که روسیه در حال ساخت پایگاه‌های نظامی خود در آبخازیا و اوستیای جنوبی است، دشوار است.

برخی از کارشناسان معتقدند تصور آغازین روسیه اشتباه بوده است و باید روسیه تعدیلاتی در خواسته‌هایش

ایجاد نماید. به عنوان مثال، ناتو نمی‌تواند سیاست گسترش را متوقف کند، اما احتمال کاهش سرعت وجود دارد. غرب می‌تواند به صورت تاکتیکی با خواسته‌های روسیه کنار آید و به فضای شوروی سابق گسترش نیابد، اما ناتو نمی‌تواند آشکارا چنین محدودیتی را بپذیرد.

با گذشت زمان، مدودیف هم واقع‌گراتر شد. مدودیف در ژوئیه 2009 اعلام کرد که کسانی که پشت این طرح‌ها، تلاشی برای ایجاد یک پیمان ضد ناتو می‌بینند به صورت مشخصی اشتباه می‌کنند. چرا که من از ابتدا، زمانی که این ایده را در برلین مطرح کردم، گفتم که این طرح باید به سندی برای تعهد همه ساختارهای اروپا - آتلانتیک، شامل ناتو، اتحادیه اروپا، دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع، سازمان معاهده امنیت جمعی و خصوصاً سازمان امنیت و همکاری اروپا تبدیل شود.

چنین ادبیاتی هم نتوانست اجماعی در تأمین خواسته روسیه را ایجاد نماید. با این حال، مقامات اروپایی از طرح مدودیف برای بیان ضرورت همکاری اروپا و روسیه بهره برده‌اند. از جمله دبیرکل ناتو تأکید کرده است که برای پرهیز از انتظارات غیرواقع بینانه در آینده، از واقع‌گرایی بیشتر در روابط ناتو - روسیه حمایت می‌کند. راسموسن بر اهمیت درک متقابل روسیه و غرب از یکدیگر تأکید دارد و خواهان تمرکز بر همکاری‌های عملی در حوزه‌های منافع مشترک، اعتمادسازی و ارزیابی مشترک از چالش‌های قرن 21 است.

اتحادیه اروپا هم می‌داند که برای مقابله با چالش‌های جهان امروزین به روسیه نیاز دارد. هدف اصلی اتحادیه اروپا، توسعه سیاست خارجی و امنیتی مشترک است و در این چارچوب همکاری با روسیه را نیز در نظر می‌گیرد. با این وجود، اعضای اتحادیه ترجیح می‌دهند در چارچوب‌های نهادین موجود در مورد طرح روسیه بحث



کنند و پاسخ آن‌ها می‌تواند بهبود ساختارهای موجود باشد. اتحادیه در برخورد با چالش‌های امنیت جهانی، ایده مسؤولیت مشترک را مورد تأکید قرار می‌دهد. از این منظر، هر گونه ساختار بازبینی شده امنیتی علاوه بر منافع مشترک، باید بر ارزش‌های مشترک (دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون)، ضرورت مشارکت برابر و حل مسالمت‌آمیز منازعات مبتنی باشد. با توجه به حرکت کند مذاکرات موافقت‌نامه مشارکت و همکاری، و چشم‌انداز ضعیف موافقت‌نامه تجارت انرژی، در حال حاضر تمایل زیادی برای تقویت چارچوب همکاری در روابط امنیتی اتحادیه اروپا و روسیه دیده نمی‌شود.

طرح روسیه به سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز ارایه شد. چرا که این سازمان مرتبط‌ترین محل بحث برای مسایل امنیت پان‌اروپایی تلقی می‌شود. سارکوزی در اجلاس اویمان 2008 در حمایت از طرح مدودیف، پیشنهاد برپایی اجلاس سران این سازمان برای بحث در مورد طرح مدودیف و دیگر طرح‌های اتحادیه اروپا در زمینه مفاهیم جدید امنیت پان‌اروپایی را ارایه کرد. در همین راستا، اجلاس غیر رسمی وزیران سازمان امنیت و همکاری اروپا در شهر کورفو که در ژوئن 2009 برگزار شد، روند کورفو را با هدف تأمین چارچوبی برای گفتگوی بیشتر در زمینه امنیت اروپا فراهم کرد. روند کورفو، تهدیدهای مشخص موجود برای امنیت اروپا را مشخص کرد تا مباحث گفتگوهای اعضای سازمان امنیت و همکاری اروپا را جهت دهد. هدف این گفتگوها، بازسازی اعتماد میان دولت‌های این سازمان است. در مورد سرنوشت طرح مدودیف نیز در این گفتگوها بحث می‌شود. با این حال در این مورد هم تأکید شد که هدف تقویت موافقت‌نامه‌های موجود است و نه ارایه نسخه جایگزین.

مدودیف قبلاً آمادگی خود را برای بحث در مورد معاهده جدید در سازمان امنیت و همکاری اروپا ابراز

داشته است. اما وی تشکیل یک جلسه پان‌اروپایی با مشارکت همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در مقابله با تهدیدها و چالش‌های امنیتی در منطقه اروپا – آتلانتیک را خواستار شده و هدف چنین اجلاسی را مقایسه راهبردهای امنیتی هر یک از این سازمان‌ها و در نهایت توافق در خصوص یک راهبرد امنیتی مشترک معرفی کرده است. خواسته‌ای که هنوز در حد انتظار روسیه برآورده نشده است.

۵- چشم‌انداز تحولات آتی

طرح مدودیف نشانه‌ای از دغدغه‌های روز افزون مسکو مبنی بر نادیده شمرده شدن از یک سو و افزایش اعتماد به نفس این کشور از سوی دیگر بود. اما روسیه در حالی که نه عضو ناتو است و نه عضو اتحادیه اروپا، چگونه می‌تواند مشکل ساختاری معماری امنیتی پس از جنگ سرد را حل کند؟ شاید در قالب اشکال جدید همکاری بین آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه مباحثی که به نفع یا علیه چنین ترتیباتی مطرح می‌شود، باید به دقت بررسی شوند. اما قبل از تشکیل نهادهای جدید، برخی اختلافات و منازعات منطقه باید حل شوند. این که روابط روسیه تقریباً با همه همسایگانش با فقدان اعتماد متقابل یا تنش همراه است، به جایگاه روسیه و طرح مدودیف آسیب می‌رساند. طرف‌های اروپایی انتظار دارند مدودیف در سیاست خارجی روسیه به خصوص در ارتباط با همسایگان بازبینی نماید. در این بازبینی باید مشخص شود روسیه می‌خواهد چه نقشی در دنیا ایفا نماید. سهم گسترده روسیه در منازعات حل نشده همواره سازنده نبوده است. شناسایی دو منطقه جدا شده از گرجستان، استقرار نظامی در این دو منطقه و تداوم اختلافات در زمینه تعهدات بین‌المللی روسیه در جنگ گرجستان، بحث در مورد طرح مدودیف را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بسیاری در



اروپا معتقدند ابتدا چنین مسایلی باید حل و فصل شوند و سپس گفتگو در مورد طرح مدودیف جدی گرفته شود. می‌توان گفت دولت‌های آمریکا و روسیه نیاز به بهبود روابط را درک کرده‌اند. آن‌ها دستورکار مشترکی برای مذاکره در زمینه خلع سلاح، کنترل تسلیحات و منع تکثیر در پیش گرفته‌اند. حفظ این روابط فرا ائتلافی، عنصری اساسی برای یک ساختار امنیتی موفق است. اما تا زمانی که آمریکا و روسیه به یک دیگر بدبین هستند که مبادا طرف مقابل دستورکار پنهانی داشته باشد، اعتماد و اطمینان باز گردانده نمی‌شود.

قدرت و ظرفیت بالای روسیه، به خصوص جایگاه ژئوپلیتیک روسیه و سهم آن در تأمین انرژی اروپا، این کشور را به یک شریک راهبردی اجتناب ناپذیر برای اروپا تبدیل کرده است. اما اتحادیه اروپا نیز بتدریج و آرام در عرصه بین‌المللی اهمیت خود را می‌یابد. ترمیم روابط روسیه با کشورهای اروپایی و ایجاد یک تصویر مثبت در افکار عمومی این کشورها، برای همکاری‌های آتی و تقویت جایگاه روسیه در این کشورها ضروری است. تنها با نمایش قدرت نمی‌توان ساختارهایی که برای اروپاییان موفق تلقی می‌شوند را دستخوش تحول کرد و طرح جایگزین ارائه کرد.

این را هم باید در نظر داشت که مشکلات معماری امنیتی موجود در واکنش به بحران‌ها و منازعات در درجه اول ناشی از سرشت نهادی نیستند، بلکه بیشتر متأثر از بی‌میلی در رسیدن به سازش از سوی بخشی از کشورهای اروپایی است که در درون این ساختار عمل می‌کنند و

از این رو هر سازمان دیگری متشکل از این دولت‌ها با مشکلات مشابه روبه‌رو خواهد بود.

در حال حاضر، روسیه تنها می‌تواند روی گسترش همکاری‌های عملی در برخی حوزه‌ها با طرف‌های اروپایی حساب باز کند و به بازسازی ساختار امنیتی اروپا به‌میل روسیه نمی‌توان امید بست. به عنوان مثال افغانستان، مسأله‌ای است که روسیه از آن رنج می‌برد و مایل به همکاری است و همه اعضای ناتو نیز از چنین همکاری استقبال می‌کنند. هر چند که در همین موضوع هم می‌توان تفاوت‌های عمیقی را در نوع نگاه طرفین مشاهده کرد.

در چنین وضعیتی، روسیه تهدید کرده است که اگر خواسته‌هایش در زمینه بازسازی ساختار امنیتی اروپا نادیده گرفته شود به گزینه‌های دیگر روی می‌آورد. یکی از گزینه‌های جدی مدنظر روسیه، تقویت پیمان‌هایی چون پیمان شانگهای است که بیشتر با منافع سازگاری دارد. روسیه از یک‌سو مایل به تصحیح تصورات جنگ سرد از سوی اروپا و آمریکا است و از سوی دیگر برای نمایش قدرت خود از تدابیر دوران جنگ سرد بهره می‌برد. تا زمانی که چنین تناقضاتی حل نشود، نمی‌توان انتظار هم‌سویی کامل منافع روسیه و اروپا را داشت. پس بهتر است ابتدا دیدگاه‌ها را به هم نزدیک کرد و سپس با واقع‌بینی، منتظر پاسخ مثبت به طرح‌های ارائه شده داشت.

حمید زنگنه

نماینده‌گی جمهوری اسلامی ایران - برلین

